FUMIGATED

954.0292
H19A

JAMIA HAMDARD
CENTRAL LIBRARY NEW DELHI
ACC No. 167
Date 23/1/62

[illegible]
JAMIA HAMDARD
قسم المخطوطات
[illegible]

165

مثنوی اکبرنامه

~~۲۱۹۶~~

بسم الله الرحمن الرحیم

خدایا جهاندار اکبر توئی   کرم گستر و بنده پرور توئی
ز دریای صنع تو گردون حباب   ز نورت کمین ذرهٔ آفتاب
در اظهار قدرت ز بالا و پست   بهر بود و نابود داری تو دست
کجا عقل و ادراک ایزدشناس   کند قدرتت را بقدرت سپاس
اگر ذره را دهی التهاب   شود ماحی صد هزار آفتاب

یکی قطره

یکی قطره سازی محیط جهان　　کنی در حبابی محیطی نهان
بگنجد فلک در یکی خردله　　شود خردله باز زین هم بله
در ایجاد و خلق جهان آفرین　　نه تنها قدیری همین بر زمین
توانی نمودن اگر خوش کنی　　گزین خوب در آب و آتش کنی
سمندر بر انبات قوتم جواب　　ز آتش دهد ماهی از قعر آب
بتی نغز چون لعبت آزری　　ز خاک آفرینی در آتش بری
بقدرت برون آوری گل ز خار　　کنی جمع پا زهر با زهر مار
بذرات آیکن شده با غبار　　بر آری بخاک از نسیم بهار
گر اجساد پوسید از نفخ صور　　برانگیزی از خاک در دم چه دور
نه خاک است خود در ثبات و سکون　　نه خود دائر این گنبد نیلگون
چه ثابت چه سیاره قایم به تست　　ازل تا ابد ملک دایم به تست

[illegible] نقد هم مراد
خود [illegible] خلیل الله
از حضرت ابراهیم [illegible]
السلام
علی نبینا و علیه

کسی نیست کش ذکر تو کار نیست بتوحید ذاتت ور اقرار نیست
خطا نیست مانع عطای ترا ولا نیست دافع بلای ترا
نه ما ایستاده بخود مانده‌ایم نه از خوردن آب و نان زنده‌ایم
حیات تو در ما فکنده است تاب چو بر ذره‌ها پرتو آفتاب
چو خور عکس خود باز خواهد ربود شود ذره نابود گویا نبود
نهادی دوصد راحت در رنجها بداندیش را رایگان گنجها
در آن گنج انواع لطف و کرم درین گنج اصناف اندوه و غم
ز طاعت‌وران تا باهل گناه بجز رحمتت کس ندارد نگاه
ز ایجاد ما و شفاعت‌گران همانا که مقصود تست اندران
که تا عاصیان را شوی چاره‌ساز الهی گرم بازار ناز و نیاز
وگرنه بیک غمزهٔ لطف و جود نماند نام گنه در وجود

مصنف کتاب ۱۲

کسی این کر شمار و بعید	کند امتحانش بجرم حمید ها
بمقدار جرم ار نهی بند عطا	پس آنگه بگوید که گوید خطا ها
با نعام عام خدای کردگار	ولکن اندرین دعویم شرمسار
کنون مدعی سر بدعوی کشید	بهرخش بکن عفو جرم حمید
که تا بار داند که کوه گناه	بدریای عفوت کمتر ز کاه
سپردم ترا کار دنیا و دین	نگویم چنان و چنین کن چنین
ز مطبوع کن کار دنیا بسیم	وزان خوبتر کار عقبا بسم
بنعمت نگهدار باشی جان من	برحمت نگهدار ایمان من
الهی کن این بندهٔ عیبناک	برحمت ز آلایش عیب پاک
مکن بندهٔ پیر خود ناامید	بدین سستی سخت و ریش سفید
چو آزردن پیر از کس قبول	نداری کنش داری از خود ملول